



فصل دوم

شکفتن

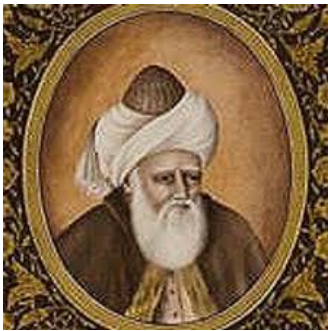
در زندگی مطالعه دل غنیمت است خواهی بخوان و خواه نخوان ما نوشته ایم

بیدل دهلوی

واژه‌های مهم: مطالعه: خواندن، بررسی / غنیمت: سود، فایده.

نکته‌های ادبی: خواه و خواه: تکرار / واج‌آرایی: تکرار حرف «خ» و «ن» و مصوّت «آ» / مطالعه دل: «دل» به «کتاب» یا «نوشته» تشبیه شده است؛ اما کتاب یا نوشته حذف شده و واژه «مطالعه» آمده است؛ این آرایه را در متوسطه دوم فرامی‌گیرید. / مطالعه، بخوان، نوشته: مراعات نظیر / بخوان و نخوان: تضاد.

معنا و مفهوم: در زندگی خودشناسی بسیار ارزشمند است. و ما این سخن را نوشتیم و گفتیم. دیگر خود دانی که به این کار بپردازیم یا نه.



بیدل دهلوی: میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی (۱۰۵۴-۱۱۳۳ ه. ق.) از شاعران بزرگ فارسی زبان است که در عظیم آباد هندوستان به دنیا آمد. بیدل در آثار خویش، اندیشه‌های لطیف عرفانی را با مضامین پیچیده در آمیخت و شیوه بیان و سبک ویژه‌ای را به کار بست.

درس ۳

مثل آینه

موضوع: دوستی و پیوند با دیگران، شناساندن دوستان واقعی.

متن‌های تعلیمی، با هدف آموزش و اندرز، نوشته شده‌اند، از این رو، خواننده باید آهنگ و لحن متناسب با فضای تعلیمی را رعایت کند. در لحن تعلیمی، خواننده با حفظ روحیه نیک‌اندیشی و خیرخواهی، نرمی و ملایمت در گفتار را به کار می‌گیرد، حفظ آرامش و نرم‌گفتاری، بر تأثیر کلام اندرزی می‌افزاید، البته گاهی اندرز و تعلیم با زنهار و پرهیز، همراه است و نباید آن را با لحن دستوری و فرمان، یکی دانست.

واژه‌های مهم: تعلیمی: آموزنده / اندرز: نصیحت / متناسب: مناسب، درخور / ملایمت: نرمی، مدارا / زنهار: آگاه باش، بیدار باش / پرهیز: دوری کردن.

نوجوانی، توکد دوباره انسان است. در این مرحله پر تب و تاب، نوجوان، افزون بر رابطه با خود، نیازمند رابطه‌ای دیگر نیز هست؛ نیازمند دو چشم دیگر که نوجوان را ببیند و به او بگوید کیست و چگونه است؛ از همین جاست

که دوستی و پیوند با دیگران آغاز می‌شود. این ارتباط، وابسته به نیاز درونی است که به نوجوان کمک می‌کند تا به خودشناسی برسد. دیگران، زبان نقد او و پنجره‌هایی هستند که در برابر دیدگان پرسشگر وی، گشوده شده‌اند.

واژه‌های مهم: پر تب و تاب: پر شور و هیجان، پر از رنج و سختی / افزون: اضافه، علاوه / پیوند: ارتباط / نقد: بررسی خوبی‌ها و بدی‌های یک اثر یا یک چیز یا کس / گشوده: باز.

دوستان واقعی، راه نیک‌بختی را به ما نشان می‌دهند و همراهان خوبی برای شکوفایی بهتر هستند. آنها مثل آینه، همان قدر که خوبی‌ها را پیش چشم می‌آورند، عیب‌ها را هم به ما می‌نمایانند و مهم‌تر آنکه این همه را بی صدا و بی هیاهو، باز می‌گویند. رسم دوستی، شکستن آینه نیست؛ درست آن است که فرصت بازاندیشی و خودشکوفایی را پدید آوریم و گامی به سوی فراتر رفتن برداریم.

واژه‌های مهم: شکوفایی: شکفتن، باز شدن / می‌نمایانند: نشان می‌دهند / هیاهو: سر و صدا / بازاندیشی: دوباره فکر کردن / پدید: ایجاد کردن / گام: قدم / فراتر: بالاتر، جلوتر.

خود شکن آینه شکستن خطاست

آینه چون نقش تو بنمود راست

نظامی گنج‌ای

واژه‌های مهم: نقش: صورت، تصویر / نمود: نشان داد / راست: واقعی، حقیقی / خود شکن: غرورت را از بین ببر.
نکته‌های ادبی: «خودشکن» دارای آرایه کنایه است. معنای نزدیک آن شکستن خود است و معنای دور آن، از بین بردن غرور و تکبر است / آینه: نماد دوست صادق و بی‌ریا.

معنا و مفهوم: اگر آینه صورت تو را آن‌گونه که هست نشان داد، مقصر آینه نیست؛ غرورت را از بین ببر و آینه را نشکن.



نظامی گنج‌ای: حکیم نظامی، زاده سال ۵۳۵ ه.ق. در شهر گنجه، شاعر و داستان‌سرای سده ششم هجری است. آثار او عبارتند از: مخزن‌الاسرار، هفت پیکر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و اسکندر نامه. وی در سال ۶۰۸ در گنجه درگذشت.



کار و شایستگی

قالب: قطعه.

قطعه: شعری است که مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه‌اند و موضوع آن پند و اندرز، مسائل اجتماعی و اخلاقی است.

*-----

*-----

*-----

*-----

موضوع درس: غنیمت شمردن اوقات جوانی و نهایت بهره بردن از آن، درس گرفتن از روزگار.

۱. جوانی گه کار و شایستگی است گه خودپسندی و پندار نیست

واژه‌های مهم: گه: مخفف گاه، زمان / شایستگی: لیاقت / خودپسندی: غرور / پندار: تصور باطل، افکاری که معمولاً اشتباهند.
دانش زبانی: جوانی: نهاد / گه کار و شایستگی: مسند / است: فعل اسنادی / گه خودپسندی و پندار: مسند / نیست: فعل اسنادی.
معنا و مفهوم: دوره جوانی دوره‌ای است که باید توانایی و لیاقت خود را نشان بدهی. این زمان، زمان غرور و خودپسندی و افکار باطل داشتن نیست.

۲. چو بفروختی، از که خواهی خرید؟ متاع جوانی به بازار نیست

واژه‌های مهم: که: چه کسی / متاع: کالای با ارزش.
نکته ادبی: آرایه تشبیه در «متاع جوانی» دیده می‌شود. جوانی به کالایی تشبیه شده است که در بازار نیست.
دانش زبانی: که: متمم / خواهی خرید: فعل مستقبل (آینده) / متاع جوانی: نهاد / بازار: متمم / نیست: به معنای «وجود ندارد»؛ بنابراین فعل اسنادی نیست.

معنا و مفهوم: اگر جوانی را از دست بدهی، هرگز آن را از کسی نمی‌توانی بخری؛ زیرا این کالا در بازار وجود ندارد.

۳. غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی که باری است فرصت دگر بار نیست

واژه‌های مهم: غنیمت شمر: قدر بدان / شمر: شمار، بشمار / حقیقت: واقعیت، راستی / مجوی: جستجو نکن / باری: یک بار، یک دفعه.

نکته ادبی: تکرار واژه «بار» برای تأکید است.

دانش زبانی: فرصت: نهاد / «نیست»: فعل اسنادی نیست؛ زیرا در این جا به معنای «وجود ندارد» آمده است.
معنا و مفهوم: قدر جوانی را بدان و فقط جویای حقیقت باش؛ زیرا فرصت جوانی، تنها یک بار است و تکرار نمی‌شود.

۴. مپیچ از ره راست، بر راه کج چو در هست، حاجت به دیوار نیست

واژه‌های مهم: مپیچ: منحرف نشو، کج نشو / ره: مخفف راه / حاجت: نیاز.
نکته ادبی: شاعر برای این که منظور خود را بهتر بیان کند، در مصرع دوم مثالی آورده است که به ما کمک کند معنا و مفهوم بیت را بهتر درک کنیم؛ این کار بر تأثیر کلام او افزوده است. همچنین در مصراع «مپیچ از ره راست بر راه کج» آرایه کنایه وجود دارد. مصرع دوم نیز معنی کنایی دارد.
معنا و مفهوم: هرگز از راه راست به راه کج، مایل و منحرف نشو (دنبال کارهای خلاف نرو) تا وقتی که در باشد، برای وارد شدن به خانه، احتیاج به بالا رفتن از دیوار نیست.

۵. ز آزادگان، بردباری و سعی بیاموز، آموختن عار نیست

واژه‌های مهم: آزادگان: جوانمردان / بردباری: صبوری / عار: ننگ.
دانش زبانی: «آموختن» مصدر و «بیاموز» فعل امر است. می‌دانید که گاهی افعال با همزه می‌آیند و چنانچه بخواهیم فعل امر از آن‌ها بسازیم، باید حرف «ب» را به ابتدای آن بیفزاییم. گاهی افزودن حرف «ب»، به همزه، تلفظ را مشکل می‌کند؛ بنابراین برای سهولت، از حرف «ی» میانجی بهره می‌گیریم. مثال: آموختن: آموز؛ بیاموز / آشامیدن: آشام؛ بیاشام.
معنا و مفهوم: صبر و شکیبایی را از انسان‌های آزاده بیاموز؛ زیرا آموختن عیب و ننگ نیست. (مغهوم کلی: دعوت به تلاش و شکیبایی)

۶. به چشم بصیرت به خود در نگر تو را در آینه زنگار نیست

واژه‌های مهم: بصیرت: بینایی / درنگر: نگاه کن / زنگار: زنگ‌زدگی.

نکته ادبی: شاعر، دل نوجوان را به آینه‌ای مانند کرده‌است که هنوز زنگار گناه در آن نیست؛ اما واژه «دل» حذف شده است. این آرایه را در متوسطه دوم فرا می‌گیرید.

دانش زبانی: درنگر: فعل امر / آینه: متمم / زنگار: نهاد / نیست: فعل غیر اسنادی به معنای «وجود ندارد».
معنا و مفهوم: با بینایی و آگاهی به خودت نگاه کن (خودشناسی کن)؛ پیش از آنکه زنگار گناه بر آینه دلت بنشیند.

۷. همی دانه و خوشه خروار شد / ز آغاز، هر خوشه خروار نیست

واژه‌های مهم: همی: شکل دیگری از حرف «می» که در قدیم به کار می‌رفت / خروار: واحد شمارش وزن، به معنای زیاد (تقریباً معادل سیصد کیلو).

نکته ادبی: آرایه تکرار در واژه‌های «خوشه» و «خروار».

دانش زبانی: دانه و خوشه: نهاد / خروار: مسند / شد: فعل اسنادی / آغاز: متمم / هر خوشه: نهاد / خروار: مسند / نیست: فعل اسنادی.
معنا و مفهوم: جمع دانه‌ها و خوشه‌ها، خرمن و خروار می‌شود. یک خوشه به تنهایی خروار نمی‌شود. (معنا و مفهوم آن به مثل «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود» نزدیک است).

۸. همه کار ایام، درس است و پند / دریغا که شاگرد هشیار نیست

واژه‌های مهم: ایام: جمع یوم، روزها، روزگار / دریغا: افسوس / شاگرد: منظور انسان‌ها هستند / هشیار: مخفف هوشیار.

نکته ادبی: واژه‌های «درس، پند، شاگرد»: مراعات نظیر.

دانش زبانی: همه کار ایام: نهاد / درس و پند: مسند / است: فعل اسنادی / شاگرد: نهاد / هشیار: مسند / نیست: فعل اسنادی.
معنا و مفهوم: کار روزگار پند و اندرز است؛ اما افسوس که برخی از انسان‌ها شاگرد هوشیاری برای روزگار نیستند. (مفهوم کلی: دعوت به درس و عبرت گرفتن از رخدادهای زمانه)

پروین اعتصامی



پروین اعتصامی: یکی از زنان شاعر که در قرن معاصر می‌زیست (۱۲۸۵-۱۳۲۰).

آرامگاه او در شهر قم، کنار مرقد حضرت معصومه (س) قرار دارد. سروده‌های وی در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است و حالتی اندرزگونه دارند. مناظره‌های ایشان بیشتر در قالب قطعه هستند.

نکته ادبی

گاهی برای تأکید بر سخن و گاهی برای رد کردن آن، پرسشی را مطرح می‌کنیم که از خواننده یا شنونده کلام، انتظار پاسخ دادن نداریم؛ بلکه وی از لحن کلام و طرز بیان آن متوجه منظور ما می‌شود؛ **مثال:**

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ / یا که داند که بر آرد گل صدبرگ از خار؟

بدیهی است با خواندن یا شنیدن این شعر، در صدد پاسخ بر نمی‌آییم؛ بلکه منظور شاعر را این‌گونه می‌فهمیم که جز خدا کسی قادر به این کارها نیست.

به این‌گونه پرسش‌ها که به صورت جمله خبری منفی معنا می‌شود، «**پرسش انکاری**» می‌گوییم.

مثال‌هایی در نثر: کی گفتم فقط درس سوم را خواهم پرسید؟ (=نگفتم که فقط درس سوم را خواهم پرسید).

چه کسی جز فرشاد می‌تواند به هوشنگ گل بزند؟ (کسی جز فرشاد نمی‌تواند به هوشنگ گل بزند).



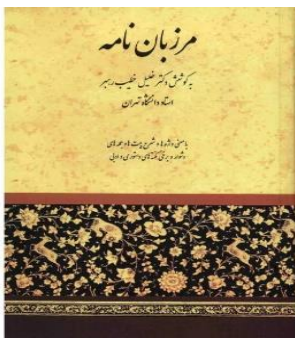
حکایت

باغبان نیک اندیش

روزی خسروی به تماشای صحرا بیرون رفت. باغبانی پیر و سالخورده را دید که سرگرم کاشتن نهال درخت بود. خسرو گفت: «ای پیرمرد، در موسم کهنسالی و فرتوتی، کار ایام جوانی پیشه کرده‌ای، وقت آن است که دست از این میل و آرزو برداری و درخت اعمال نیک در بهشت بنشانی، چه جای این حرص و هوس باطل است؟ درختی که تو امروز نشانی، میوه آن کجا توانی خورد؟» باغبان پیر و پاکدل گفت: «دیگران نشانند، ما خوردیم، اکنون ما بنشانیم تا دیگران خورند».

مرزبان نامه، سعدالدین وراوینی، (بازنویسی)

واژه‌های مهم: خسرو: پادشاه / سالخورده: پیر / نهال: درخت جوان / موسم: زمان، وقت / کهن‌سالی: پیری / فرتوت: پیر و از کار افتاده / پیشه: حرفه، شغل / حرص: طمع / میوه آن کجا توانی خورد: هرگز میوه آن را نمی‌خوری (پرسش انکاری) / خورند: بخورند.



مرزبان نامه: مرزبان‌نامه مانند کتابِ کلیله و دمنه، از زبان حیوانات است. مرزبان بن رستم شروین پیریم، از اسپهبدان مازندران، آن را به زبانی مازندرانی کهن (طبری) نوشته است.

سعدالدین وراوینی: از دانشمندان ایرانی (قرن ششم ه. ق.) که کتاب مرزبان‌نامه را از زبان طبری (مازندرانی کهن) به فارسی دری برگرداند.